



ORIGINAL RESEARCH PAPER

A Jurisprudential and Legal Elucidation of Why the Acts of a Contractual Representative Affect the Obligations of the Principal in the Marriage Contract and Its Consequences

*Seyed Hassan Shobeiri Zanjani¹, Siamak Qiasi², Seyed Hassan Mobarez^{*3}*

Received:

30 Jul 2025

Revised:

11 Oct 2025

Accepted:

15 Nov 2025

Available Online:

21 Mar 2026

Keywords:

*Contractual Agent,
Marriage Contract,
The Principal's
Obligations,
Jurisprudence,
Expediency.*

Abstract

Marriage contract ('aqd al-Nikah) is considered one of the most significant agreements within the domain of private law. In this type of contract, the parties may appoint an agent (wakil) to carry out certain matters related to the marriage contract on their behalf. This implies that both Islamic jurisprudence (fiqh) and civil law recognize the principle that acts performed by a contractual agent legally bind the principal. In this context, the question arises as to why and how the acts of a contractual agent affect the obligations of the principal. Accordingly, it is first necessary to clarify the rationale behind this legal effect and then examine its consequences in order to delineate its scope. Given that this issue has not been sufficiently and appropriately addressed by scholars, the present study - employing a descriptive-analytical methodology and relying on library-based research - aims to answer this question. The findings indicate that, by recourse to established jurisprudential principles and statutory regulations, the binding effect of a contractual agent's acts within the framework of a marriage contract can be justified. These jurisprudential principles include considerations of public interest (maslaha) and the avoidance of hardship and undue difficulty ('usr wa haraj). Furthermore, statutory provisions - themselves grounded in Islamic jurisprudence - also endorse this principle. The consequences of recognizing the agent's acts as binding on the principal entail that, provided the agent operates within the prescribed framework and mechanisms of agency, all resulting obligations will be directly attributed to the principal, who must accordingly accept and fulfill them.

1 Associate Professor, Department of Intellectual Property Law, University of Qom, Qom, Iran.

2 Assistant Professor, Al-Mustafa International University, Qom, Iran.

3* Ph.D Student, Al-Mustafa International University, Qom, Iran. (Corresponding Author)

Email: mobarezhassan29@gmail.com

Please Cite This Article As: Shobeiri Zanjani, SH; Qiasy, S & Mobarez, SH (2026). "A Jurisprudential and Legal Elucidation of Why the Acts of a Contractual Representative Affect the Obligations of the Principal in the Marriage Contract and Its Consequences". *Interdisciplinary Legal Research*, 7(1): 103-114.



تبیین فقهی و حقوقی چرایی تأثیر اعمال نماینده قراردادی بر تعهدات اصیل در عقد نکاح و پیامدهای آن

سیدحسن شبیری زنجانی^۱، سیامک قیاسی^۲، سیدحسن مبارز^{۳*}

۱. دانشیار، گروه حقوق مالکیت فکری، دانشگاه قم، قم، ایران.

۲. استادیار، دانشگاه جامعه المصطفی، قم، ایران.

۳. دانشجوی دکتری، دانشگاه جامعه المصطفی، قم، ایران. (نویسنده مسؤول)

دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۰۸ ویرایش: ۱۴۰۴/۰۷/۱۹ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۲۴ انتشار: ۱۴۰۵/۰۱/۰۱

چکیده

عقد نکاح یکی از قراردادهای پراهمیت در گستره حقوق خصوصی به‌شمار می‌رود. در این نوع قرارداد، طرفین می‌توانند شخصی را به‌عنوان نماینده مشخص کنند تا برخی از امور مرتبط با عقد را انجام دهد. این بدان معنا است که فقه و حقوق، اصل تأثیرگذاری اعمال نماینده بر تعهدات اصیل را پذیرفته شده است. در این میان، پرسش از چرایی و پیامدهای تأثیر اعمال نماینده قراردادی بر تعهدات اصیل مطرح می‌گردد. به این معنا که نخست، باید چرایی تأثیرگذاری روشن گردد، سپس پیامدهای آن بررسی شود تا بتوان از گستره آن سخن به میان آورد. با توجه به این که این مهم به‌صورت بایسته و شایسته از سوی اندیشه‌وران کاویده نشده است، پژوهش فرارو با روش توصیفی - تحلیلی و ابزار کتابخانه‌ای در پی پاسخ به پرسش مزبور است. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که با تمسک به ضوابط فقهی و مقررات قانونی می‌توان تأثیرگذاری اعمال نماینده قراردادی را در گستره عقد نکاح توجیه نمود که این ضوابط فقهی عبارت از مصلحت و نبود عسر و حرج است. از دیگر سو، مقررات قانونی که مبتنی بر فقه است، نیز این مسأله را پذیرفته است. پیامدهای تأثیرگذاری اعمال نماینده قراردادی بر تعهدات اصیل آن است که در صورت رعایت چهارچوب و مکانیسم نمایندگی، تعهدات برخاسته از اعمال نماینده، متوجه اصیل خواهد شد و او باید، تعهدات را پذیرا باشد.

کلمات کلیدی: نماینده قراردادی، عقد نکاح، تعهدات اصیل، فقه، مصلحت.

مقدمه

قرارداد نکاح یکی از پراهمیت‌ترین عقود در گستره زیست انسانی است. روزانه هزاران عقد نکاح منعقد می‌شود و اشخاص با تمسک به آن زندگی مشترک را آغاز می‌نمایند. این قرارداد، آغازگر زندگی خانوادگی به‌شمار می‌رود. باتوجه به این‌که قانون خانواده نقش تعیین‌کننده در تکوین شخصیت کودکان و انسان‌ها دارد، در نظام فقه و حقوق حساسیت ویژه‌ای نسبت به عقد ازدواج وجود دارد. از آنجایی‌که در برخی موارد طرفین ازدواج توان انجام برخی از امور را ندارند یا این‌که به دلایل برخی از گرفتاری‌ها و ملاحظات نمی‌خواهند به‌صورت مباشر انجام دهند، بحث از پدیده نمایندگی در این گستره مطرح می‌شود، به این معنا که در این صورت پرسش از امکان انجام برخی از امور مرتبط با عقد ازدواج از طریق نمایندگی مطرح می‌گردد. در پاسخ به این پرسش، نظام فقه و حقوق دو رویکرد را می‌تواند داشته باشد: نخست آن‌که بر لزوم مباشرت طرفین عقد ازدواج اصرار ورزد و نمایندگی را در این گستره نپذیرد که این رویکرد باتوجه به پیچیدگی‌ها و فراوانی مشغله‌های روزانه، می‌تواند مشکلاتی را برای طرفین و نظام حقوقی کشور پدید آورد، به این ترتیب که در این صورت، طرفین که در بسیاری موارد از مقررات قانونی و ضوابط حاکم بر عقد نکاح آگاهی ندارند، ممکن است، تعهداتی را پدید آورند که مشکل‌آفرین باشند؛ رویکرد دوم آن است که نظام فقه و حقوق، انعطاف نشان دهد و در این گستره نیز نمایندگی را بپذیرد. این رویکرد به‌رغم آن‌که می‌تواند از جهتی، تسهیل‌کننده امور باشد، در برخی موارد ممکن است، پیامدهای ناخوشایندی را در پی داشته باشد که این مسأله، مقتضی تدوین ضوابط و مقررات منسجم در این مورد است. به هر روی در نظام فقه و حقوق اسلامی، اصل نمایندگی قراردادی در عقد و نکاح پذیرفته شده است، وانگهی پرسش از چرایی و پیامدهای آن مطرح می‌شود که باید با تمسک به مبانی فقهی و حقوقی با رویکردی به آیات و روایات بدان‌ها پرداخته شود. از این‌رو پژوهش‌فرارو در پی کاویدن این مسأله است که باتوجه به عدم پردازش این موضوع از سوی حقوق‌دانان و اندیشه‌وران فقه اسلامی، پژوهش حاضر از این جهت نوآورانه است. برای نائل آمدن به هدف، نخست موضوع، مفهوم‌شناسی شده، سپس مبانی تأثیرگذاری بررسی گردیده و در آخر، پیامدهای تأثیرگذاری تحلیل شده است.

۱- مفهوم‌شناسی

در این بخش تلاش می‌شود که مفاهیم کلیدی شناسایی شود تا در پرتو آن بتوان از مباحث پسینی سخن کرد.

۱-۱- عقد نکاح

قانون‌گذار ایران به‌رغم این‌که موادی از قانون مدنی را بدان اختصاص داده، تعریفی از عقد نکاح ارائه ننموده است. از این‌رو برای تعریف آن باید به دکتترین حقوقی مراجعه شود. اندیشه‌وران حقوق نیز دیدگاه یگانه در مورد تعریف عقد نکاح ندارند. عقد نکاح عبارت از قراردادی است که بر پایه آن، مرد و زن برای تشکیل خانواده از نظر قانونی با هم متحد می‌شوند (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۲: ۷۲۱). این دیدگاه بدان دلیل که به ابعاد عقد توجه شده است، کامل نیست. برخی نکاح را عبارت از رابطه حقوقی عاطفی می‌دانند که با عقد میان مرد و زن حاصل می‌گردد و به آن‌ها حق می‌دهد که زندگی مشترک داشته باشد که مظهر بارز آن، حق تمتع جنسی است (محقق داماد، ۱۳۸۷: ۲۴). فقهای احناف هم دیدگاه یگانه در مورد تعریف نکاح ندارند؛ برخی از آن‌ها تنها به این نکته که نکاح، عقد متشکل از ایجاب و قبول طرفین است، بسنده نموده، این عقد را تعریف نموده‌اند (ابن عابدین، ۱۴۱۲: ۳/۳). در منابع فقه امامیه نیز این عقد به‌صورت روشن تعریف نشده است، ولی باتوجه به مباحث مرتبط می‌توان گفت، عقد نکاح عبارت از ایجاب و قبولی است (طرابلسی، ۱۴۰۶: ۳۶۰/۱؛ ابن زهره حلبی، ۱۴۱۷: ۳۴۱) که برای پدیداری زندگی مشترک صورت می‌گیرد.

۲-۱- نمایندگی قراردادی

گاهی شخصی بر پایه قرارداد با دیگری توافق می‌نماید که امور او را انجام دهد. در این‌گونه موارد، جانشینی شخص دیگر براساس توافق و اراده انجام می‌شود. در این هنگام نمایندگی قراردادی پدید می‌آید، به این معنا که در نمایندگی قراردادی، طرفین با تمسک به اراده‌شان اقدام به ایجاد نمایندگی می‌نمایند که بر پایه آن، شخصی از جانب دیگری اعمال حقوقی انجام می‌دهد. در نمایندگی قراردادی، این تراضی و توافق طرفین است که عامل پدیداری رابطه حقوقی به‌شمار می‌رود. بنابراین در نمایندگی قراردادی، نماینده، کسی است که بر پایه توافق، اختیار پیدا می‌یابد تا از طرف اصیل با شخص ثالث معامله نماید (McKendrick, 2012: 985). این توان و اختیار می‌تواند به‌صورت صریح یا ضمنی اعطا گردد، به این ترتیب که گاهی اصیل به‌صورت صریح به دیگری در انجام عمل حقوقی،

قرار داده است، می‌توان گفت که این مهم در گستره کنش‌های حقوقی به صورت عام و حقوق نمایندگی قراردادی به صورت ویژه نیز وجود دارد، به این معنا که اشخاص می‌توانند به گونه‌ای اقدام کنند که از یک سو، منافع آن‌ها و جامعه تأمین شود؛ از دیگر سو، سودمندی اخروی نیز در انتظارشان باشد.

باید توجه داشت که دسته‌بندی مصالح به دنیوی و اخروی به معنای مغایرت آن دو نیست، زیرا میان آن رابطه تنگاتنگی وجود دارد. به این معنا که مصالح دنیوی می‌تواند زمینه‌ساز پدیداری مصالح اخروی شود و عدم آن، باعث نابودی مصالح گستره قیامت خواهد شد. بنابراین اگر انسان بتواند مصالح دنیوی خود را به دست آورد و سعادت‌مندی دنیوی را نصیب خود سازد، در آخرت نیز چنین خواهد بود. باید توجه داشت که یکی از اختلافات بنیادین مکتب اسلام با مکاتب غیرالهی در این است که مقررات اسلام ناظر به مصالح دنیوی و اخروی است، ولی مکاتب غیراسلامی این‌گونه نیستند. تأمین منافع مادی، هدف اصلی قانون‌گذاری در نظام و مکاتب غیردینی است؛ به این معنا که مصلحت‌اندیشی در این‌گونه مکاتب با توجه به این مسأله صورت می‌گیرد. از این رو تلاش می‌شود مقررات و قوانین وضع شوند که این مصالح ناظر به زندگی مادی را تأمین و تضمین نماید و توجهی به ابعاد معنوی و اعتقادی انسان‌ها نمی‌شود. به بیان دیگر، در این‌گونه رویکردها، هدف بنیادی و اساسی آن است که نظام‌های تقنینی، مصالح مادی بشر را تأمین نمایند و در مقام وضع قوانین و مقررات به آموزه‌ها و موازین دینی نقشی داده نمی‌شود. این در حالی است که در رویکرد اسلامی، ضوابط و مقررات از یک سو، باید هم‌ساز با مقاصد شرعی باشند؛ از دیگر سو، با اصول حاکم در نظام اسلامی سازگاری داشته باشند.

بنابراین به صورت کلی می‌توان گفت که مقررات و ضوابط حقوقی و فقهی به نوعی براساس مصالح وضع می‌شوند، تعدی به این مصالح و منافع به نوعی باعث پدیدآوری جرم می‌گردد. حکومت اسلامی نیز بر پایه تشخیص مصلحت و نفع جامعه می‌تواند در گستره‌های لازم به تصمیم‌سازی بپردازد و در مورد این که قرارداد و پیمانی منطبق با مصالح جامعه اسلامی است، اقدام نماید. بر این اساس است که انعقاد برخی از قراردادهای بین‌المللی تنها در اختیار حکومت اسلامی است و افراد مسلمان نمی‌توانند چنین اقدامی انجام دهند، زیرا حکومت اسلامی بهتر، مصالح اسلام را می‌شناسد؛ بر این اساس است که بر پایه اصول حاکم بر فقه اسلامی، حتی حاکم اسلامی می‌تواند با در نظر داشت مصالح

نمایندگی می‌دهد و گاهی این امر به صورت ضمنی بیان می‌شود که در هر صورت، نماینده با تمسک به اختیار برخاسته از نمایندگی، اقدام می‌نماید. زمانی نیز نمایندگی ناشی از تنفیذ عملی است که بیگانه انجام داده است (Beatson et al, 2018: 688) که از آن در ادبیات فقهی و حقوقی «معامله فضولی» یاد می‌شود. یکی از پیامدهای نمایندگی قراردادی، سلطه نماینده بر اموال و حقوق مالی اصیل است (السنهوری، ۱۹۹۸: ۲۰۸). آنگاه که نماینده چنین اختیاری را به دست آورد، می‌تواند در چهارچوب نمایندگی هر نوع اقدامی را انجام دهد، البته این مسأله وابسته به نوع توافق طرفین است.

۲- چرایی تأثیرگذاری اعمال نماینده قراردادی بر تعهدات اصیل در عقد نکاح

۲-۱- اصل مصلحت

رسیدن به منافع و مصالح، یکی از اهداف و آرمان‌های فطری و غریزی انسان است. از این رو برای نائل آمدن به آن‌ها همواره تلاش و کوشش می‌کند. احکام اسلامی نیز برای تأمین منافع انسان وضع شده‌اند، زیرا بر پایه مبانی قرآنی دین اسلام، احکام هم‌ساز با فطرت و سرشت انسان می‌باشد (روم/۳۰). بنابراین نمی‌توان اموری را که با گرایش‌های فطری انسان ناسازگار باشد، ترویج یا تجویز نمود. نه تنها دین اسلام نمی‌تواند اموری را که مخالف منافع و مصالح بشر است، مجاز انگارد که باید بسترهای مناسب را برای دستیابی به منافع و دفع ضرر فراهم سازد تا انسان‌ها در سایه آن‌ها به کمال و سعادت مورد انتظار دست یابند.

به صورت کلی می‌توان گفت که دسترسی به منافع و مصالح از اهداف اساسی و بینادین همه افراد بشر، ادیان آسمانی، غیرآسمانی و مکاتب سیاسی و حقوقی می‌باشد. برای نمونه، بسیاری از قوانین کیفری و حقوقی بشری به منظور نائل آمدن به مصلحت و دفع ضرر وضع می‌شوند؛ بر این اساس است که برخی از اهمیت اصل مصلحت در گستره حقوق کیفری سخن گفته‌اند (دهقان چاچکامی، ۱۳۹۰: ۲۱۸). باید توجه داشت که همه قوانین بشری به منظور رسیدن و دست‌یافتن به مصالح فردی و نوعی وضع می‌شوند، ولی در تشخیص و مصداق‌یابی مصالح و منافع انسان اختلاف دارند. از این رو ممکن است در یک نظام حقوقی، قوانینی وضع شود که از منظر نظام حقوقی دیگر مخالف مصالح و منافع بشر به شمار رود. بر پایه مبانی اسلام، مصالح و منافع از نظر اسلام به دو گونه دنیوی و اخروی قابل دسته‌بندی است. از آنجایی که این دین کامل است، همه ابعاد مصالح را مورد توجه

جامعه، حکم اولی را تعطیل کرده، اقدام به اصدار حکم ثانوی نماید (ایزدهی، ۱۳۹۳: ۷۲)؛ این چیزی جز آن نیست که نظام اسلامی، از توان بیشتر برای شناخت مصالح و مفاسد جامعه اسلامی برخوردار است.

حال که وجود اصل مصلحت به عنوان یکی از اصول پراهمیت در نظام فقه و حقوق اسلام تبیین شد، در مورد کاربرد اصل مزبور در گستره تأثیر اعمال نماینده قراردادی بر تعهدات اصیل نیز باید گفت که این اصل بدان دلیل که دارای دامنه فراخ است، محدود به یک عرصه از زندگی بشر نمی‌شود، بلکه همه ساحت‌های زندگی او را پوشش می‌دهد. عرصه قراردادهای به صورت عام و قراردادهای نمایندگی به صورت ویژه، یکی از مواردی است که می‌تواند تجلی‌گاه اصل مصلحت باشد. توجه به اصل مصلحت در گستره حقوق نمایندگی، روابط نماینده قراردادی و اصیل به این ترتیب است که نخست، قراردادهای نمایندگی باید به گونه‌ای سامان یابند که مصلحت اجتماعی تأمین شود و در مرحله دوم، طرفین قرارداد نیز باید از رهگذر آن‌ها به مصالح و منافع مد نظر دست یابند. این مهم، هنگامی محقق می‌شود که بسترها و ابزارهای لازم در اختیار طرفین قرارگیرند تا در مواقع مواجهه با مخاطرات و مشکلات با استفاده از ابزارهای قانونی و حقوقی بتوانند مانع هدررفت مصالح و منافعشان شوند.

البته باید توجه داشت که ابزارها باید متناسب با عرصه‌ها و وضعیت‌های گوناگون باشند، به این معنا که در قراردادهای نمایندگی سنتی مانند وکالت که به دلیل سادگی و ... مخاطرات اندک است، ابزارهای متناسب آن ضروری است و در نمایندگی مدرن که با توجه به ویژگی آن‌ها، مخاطرات بیشتر است، یک نوع ابزارهای دیگر لازم است تا طرفین بتوانند با تمسک به آن‌ها از منافع و مصالحشان پاسداری کنند. به صورت کلی باید گفت در مورد تأثیر اعمال نماینده قراردادی بر تعهدات اصیل دو گونه رویکرد می‌توان تصور نمود: نخست این که، قراردادهای مزبور به صورت غیرمنعطف و سخت‌گیرانه باشند، به این ترتیب که تأثیرگذاری آن مورد پذیرش نباشد و طرفین به صورت مستقیم و مباشر، اعمال قراردادی‌شان را سامان دهند؛ دوم این که، این گونه تصرفات به رسمیت شناخته شده، تأثیر اعمال نماینده قراردادی بر تعهدات اصیل معتبر انگاشته شود. با توجه به ماهیت و وضعیت نمایندگی قراردادی، می‌توان گفت که رویکرد نخست با عدالت و انصاف که از اصول حاکم بر نظام حقوق اسلامی است، سازگاری ندارد، زیرا پافشاری بر قالب‌های سنتی و نپذیرفتن اصل

نمایندگی نمی‌تواند تأمین‌کننده مصالح طرفین باشد. بنابراین باید رویکرد دوم اتخاذ شود، به این معنا که افزون بر روش‌های سنتی اعمال حقوقی، چاره‌اندیشی‌های دیگری نیز انجام شود که این نگاه بدان دلیل که با نظام فقه اسلامی و ضوابط حاکم بر حقوق قراردادهای سازگاری دارد. قانون‌گذار نیز این مسأله را مورد پذیرش قرار داده است. از این رو در قانون مدنی، موادی را به نمایندگی اختصاص داده است (ماده ۱۰۷۱-۱۰۷۴ ق.م). این بدان معنا است که از نظر نظام حقوقی این کشور، اعمال نماینده قراردادی بر تعهدات اصیل تأثیرگذار است.

۲-۲- اصل ممنوعیت عسر و حرج

یکی از اصول توجیه‌کننده تأثیر اعمال نماینده قراردادی بر تعهدات اصیل در عقد نکاح، این ضابطه است که در نظام حقوقی و اجتماعی اسلام، نبود سختی و حرج تقنین شده است، به این معنا که در دین اسلام، سختی و مشقت قرار داده نشده است. به عبارت دیگر، قاعده لاجرح، وجود سختی و دشواری در دین را نفی می‌نماید (حسینی مراغی، ۱۴۱۷: ۲۸۲/۱). این قاعده یکی از قواعد پراهمیت در نظام استنباط فقهی و حقوقی اسلام است. از این رو از سوی بسیاری از فقها مطرح و حدود و ثغور آن تحلیل شده است. اهمیت و جایگاه این قاعده در نظام فقهی و حقوقی اسلام به گونه‌ای است که بر بسیاری از احکام اولی حکومت می‌نماید (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷: ۲۹۰). قاعده مزبور هم گستره عبادات را پوشش می‌دهد و هم در سایر عرصه‌های زندگی انسان کاربرد دارد (فومنی گیلانی، ۱۴۲۸: ۱۲۲/۲؛ بجنوردی، ۱۴۰۱: ۳۶۵/۱). واژه «حرج» در قرآن دارای معانی گوناگون است، برای نمونه تنگی و سختی (حج/۷۸؛ اعراف/۲)، گناه و عصیان (توبه/۹۱؛ فتح/۱۷؛ احزاب/۳۸)، از مصادیق آن‌ها است (طبرسی، ۱۳۷۳: ۳۶۲/۳). بنابراین هر کاری که انسان را با تنگنا و دشواری مواجه سازد، مصداق عسر و حرج خواهد بود (کشوری، ۱۳۹۰: ۱۳). و این قاعده، وجود چنین دشواری‌ها را نفی می‌نماید. به هر روی این قاعده از ضوابط فقهی پراهمیت است که اندیشه‌وران فقه اسلامی از آن در ابواب گوناگون فقه بهره برده‌اند. برای نمونه در حقوق خانواده، وجود عسر و حرج یکی از عوامل طلاق انگاشته شده است (محقق داماد، ۱۳۸۷: ۳۷۰). این اصل دارای پشتوانه‌های قرآنی، روایی و عقلی است که برای نمونه به چند مورد اشاره می‌شود. از آیات قرآنی می‌توان برای اثبات قاعده مزبور استفاده نمود، برای نمونه می‌توان به آیه هفتاد و سوم سوره حج اشاره نمود. در این آیه خداوند از نبود دشواری و سختی در

دین سخن گفته است، به این معنا که به صورت مطلق، دشواری در دین را نفی نموده، چنین می‌فرماید: «در مسیر آفریدگان به صورت شایسته و بایسته، جهاد نمایید. خداوند شمار را انتخاب کرد و در شریعت خود برای بشر، دشواری پیش‌بینی ننمود. در آیین شما بسان دین ابراهیم، سهل و راحتی در نظر گرفت. خداوند شما را قبل از این هنگامه، «مسلمان» خواند و در قرآن نیز این‌گونه خوانده می‌شود تا رسول خدا (ص) شاهد بر شما و شما بر او شاهد باشید.» همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، در آیه مزبور به صراحت از نبود حکم حرجی در دین سخن به میان آمده است. به بیان دیگر، این آیه، جعل حکم دشوار طاقت‌فرسا را نفی می‌نماید (میرمحمدی، ۱۳۶۷: ۴) که معنای آن، همان قاعده عسر و حرج است. به باور بعضی از مفسران (طباطبایی، ۱۳۹۷: ۴۱۱/۱۱). واژه دین، همه احکام اسلامی را دربر می‌گیرد، به این معنا که براساس آیه مزبور، هیچ حکم همراه با سختی طاقت‌فرسا در دین وجود ندارد. این کلیت بیانگر آن است که در عرصه عبادات، معاملات، سیاست و ... چنین حکم جعل نشده است. وانگهی که دامنه نفی این سان گسترده باشد، باید گفت که عرصه قراردادها و نمایندگی نیز از آن مستثنی نخواهد بود، زیرا زیست حقوقی یکی از بخش‌های مهم حیات انسان را تشکیل می‌دهد و از سوی دیگر، اگر قرار باشد، عرصه از دامنه قاعده مزبور خارج گردد، باید تصریح شود، وگرنه اطلاق قاعده مزبور، بی‌خلل باقی خواهد ماند.

صحیح بزنتی یکی از روایاتی است که از سوی فقهای اسلامی به‌عنوان یکی از ادله قاعده نفی عسر و حرج مطرح شده است. در این روایت، امام صادق (ع) خوارج را به دلیل این‌که خود را به مشقت می‌انداختند، سرزنش می‌کند (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۲۰/۱) که بیانگر وجود آسان‌گیری و پرهیز از دشواری در مذهب و فقه است. امام صادق (ع) خوارج را بدان دلیل که در زندگی به خودشان سخت‌گیری می‌کردند، عتاب و ملامت می‌کند. با توجه به این‌که امام صادق (ع) در مقام تبیین یک نوع سلوک و سبک زندگی است و به دنبال نقد سلوک آن‌ها که مبتنی به دشواری و سخت‌گیری بود، وجود سهله و سمحه را گوشزد می‌نماید. این بیانگر آن است که از منظر امام صادق (ع) یکی از اصول زیست انسانی، پرهیز از دشواری‌خواهی و سخت‌گیری است که برآیند آن، قاعده عسر و حرج می‌باشد.

برخی از فقها، عقل را نیز یکی از ادله اثبات قاعده نفی عسر و حرج انگاشته‌اند، به این معنا که عقل، تحمیل مشقت بردیگران را ناروا و قبیح می‌انگارد. آنگاه که چنین باشد، احکام و دستورات

دینی نباید به‌گونه‌ای مشقت‌آور و طاقت‌فرسا باشد که در این صورت، عقل آن را تقبیح خواهد نمود، البته باید توجه داشت که عقل همه انواع سختی را تقبیح نمی‌کند، بلکه تنها بر مواردی حاکم است که تکلیف و حکم خارج از توان باشد. به عبارت دیگر، عقل تنها احکام و دستورات «بمالایطاق» را نفی می‌نماید و سایر احکامی را که در این حد نباشد و در برابر دریافت اجرت انجام شود، نفی نمی‌نماید. برای نمونه در بسیاری موارد است که انسان برای دریافت اجرت خود را با سختی و دشواری مواجه می‌سازد. بنابراین عقل، همه تکالیف مشقت‌آور را نفی نمی‌نماید؛ این بدان دلیل است که هر تکلیف تا حدودی با دشواری همراه است (نراقی، ۱۴۱۷: ۱۷۳). به هر روی، عقل یکی از ادله قاعده نفی عسر و حرج است که بر پایه آن، احکام طاقت‌فرسا و غیرقابل تحمل قبیح و ناروا است. گفتنی است که اصل وجود قاعده در نظام فقه و حقوقی اسلامی قابل تردید نیست (آشتیانی، ۱۴۲۵: ۲۲۹)، ولی در مورد مصداق عسر و حرج دیدگاه‌های گوناگون قابل طرح است؛ این بدان دلیل است که طبع تکلیف همراه با نوعی مشقت است و اگر قرار باشد، قاعده مزبور هر نوع دشواری را نفی نماید، باید هیچ تکلیفی در شرع وجود نداشته باشد که این امر با ذات و روح دین ناسازگار است. از این رو باید گفت که قاعده مزبور ناظر به دشواری‌های طاقت‌فرسا و غیرقابل تحمل است. در فقه احناف نیز در مقام توجیه تأثیرگذاری از عجز طرفین عقد سخن به میان آمده است (الزبیدی الیمنی الحنفی، ۱۳۲۲: ۲۹۸/۱: الجصاص الحنفی، ۱۴۳۱: ۲۶۵/۳) که این به‌معنا رعایت این اصل از سوی نظام فقه حنفی می‌باشد، به این معنا که می‌توان گفت، پرهیز از دشواری و حرج یکی از مبانی توجیه تأثیرگذاری اعمال نماینده قراردادی بر تعهدات اصیل در عقد نکاح در نظام فقه به‌شمار می‌رود. به هر روی، منظور از قاعده مزبور آن است که در نظام حقوقی اسلام، حکم و دستور ناهم‌ساز با توان انسان وجود ندارد. آنگاه که چنین شد، اگر تأثیرگذاری اراده دیگران بر تعهدات دیگری پذیرفته نشود و اصرار گردد که خود اشخاص به‌صورت مباشر اقدام به اعمال حقوقی نماید، این وضعیت در برخی موارد دشواری و سختی را به دنبال دارد. این دشواری گاهی به‌گونه‌ای است که اقدام مستقیم و به‌صورت مباشر برای شخص ناممکن است. آنگاه که چنین شد، قاعده نفی سختی و دشواری این تکلیف را نفی می‌نماید که برآیند آن، پذیرش تأثیر اعمال نماینده قراردادی بر تعهدات اصیل به‌صورت عام و در عقد نکاح به‌صورت ویژه است. بنابراین قاعده نفی عسر

و حرج می‌تواند به‌عنوان یکی از مبنای تأثیرگذاری اراده نماینده بر تعهدات اصیل در عقد نکاح به‌شمار رود.

۲-۳- مقررات قانونی

تأثیر اعمال نماینده قراردادی از نظر مقررات قانونی (مواد ۱۰۷۱-۱۰۷۴ قانون مدنی) و اسناد بین‌المللی (فصل سیزدهم اصول حقوق قراردادهای اروپایی) نیز مورد تأکید و تأیید است. برابر ماده ۱۰۱:۳ اصول حقوق قراردادهای اروپایی و ماده ۱-۲-۲ اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی، این اسناد تنها بر نمایندگی قانونی حکومت می‌کنند. بر این اساس اصول حقوق قراردادهای اروپایی در ماده مزبور، چنین آورده است: «این فصل اختیارات یک نماینده یا واسطه دیگر را برای الزام موکل خود در رابطه با یک قرارداد با شخص سوم تنظیم می‌کند» (دهقان چاچکامی، ۱۳۹۰). این فصل اختیارات نماینده‌ای که به‌موجب قانون به او داده شده و یا اختیارات نماینده‌ای را که از سوی مقام عمومی یا قضایی منصوب شده، تنظیم نمی‌کند (کاتوزیان، ۱۳۹۶). این فصل روابط داخلی بین نماینده یا واسطه و موکلش را تنظیم نمی‌کند. در این ماده به‌صورت روشن از حکومت اصول مزبور بر نمایندگی قراردادی و واسطه‌های برخاسته از اراده طرفین تأکید شده است. گفتنی است که نمایندگی قراردادی می‌تواند دارای گستره و نمودهای گوناگونی باشد. گاهی ممکن است، گستره نمایندگی، عمل خاص باشد و گاهی نیز اعمال بسیاری را دربر گیرد. برای نمونه گاهی ممکن است، نمایندگی برای خرید چند تن سیب‌زمینی اعطا شود و گاهی نیز این نمایندگی دارای گستردگی باشد، برای نمونه برای اجرای عقد نکاح باشد. از نظر زمانی نیز دامنه نمایندگی قراردادی متغیر است. ممکن است، طرفین نسبت به یک زمان محدود توافق کرده باشند یا این‌که این چنین نباشد. به هر روی یکی از گونه‌های نمایندگی، نوع قراردادی آن است که برخاسته از اصول مانند حاکمیت اراده، تراضی و ... می‌باشد.

۳- پیامدهای تأثیرگذاری اعمال نماینده قراردادی بر تعهدات اصیل در عقد نکاح

باید گفت که تأثیرگذاری اعمال نماینده قراردادی در صورتی که اعمال نماینده قراردادی در چهارچوب اختیارات برخاسته از قرارداد نمایندگی باشد، همه مراحل عقد را دربر می‌گیرد و پیامدهای آن متوجه اصیل خواهد شد. بنابراین رعایت چهارچوب‌های قرارداد نمایندگی، ملاک تأثیرگذاری اعمال نماینده قراردادی بر تعهدات اصیل است، به این معنا که اگر نماینده آن را در هنگامه انجام مورد نمایندگی رعایت کرده باشد، اعمال حقوقی او متوجه اصیل

خواهد بود، ولی اگر چنین نشده باشد و در مراحل از حدود آن چهارچوب‌ها تجاوز صورت گرفته باشد، در این هنگامه، تأثیرگذاری اعمال نماینده قراردادی منوط به تنفیذ اصیل خواهد بود (ماده ۱۰۷۴ ق.م) و اگر امکان تنفیذ وجود نداشته باشد، اصیل مسؤولیتی نخواهد داشت (صافی گلپایگانی، ۱۴۱۶: ۱۵۴/۲؛ طوسی، ۱۳۸۷: ۳۹۹/۲).

۱-۳- نسبت به اصیل

یکی از پیامدهای نمایندگی نسبت به اصیل است؛ این پیامدها، برخاسته از قرارداد نمایندگی و اصول حاکم بر آن خواهد بود، زیرا گاهی ممکن است، طرفین معامله، تعهدی را نپذیرفته باشند، ولی قانون یا اصول حاکم بر قراردادها که نمایندگی قراردادی یکی از نمودهای آن است، برعهده طرفین معامله قرار داده باشد. در فقه اسلامی، نمایندگی به‌معنای متداول امروزی آن، مطرح نشده است، ولی با توجه به قرابت نمایندگی با عقود وکالت، عاریه و ... می‌توان گفت که امکان تعمیم تعهدات طرفین این قراردادها بر نمایندگی قراردادی نیز وجود دارد. افزون بر آن، ضوابط کلی فقهی حاکم بر قراردادها نیز در مورد تحلیل پیامدهای نمایندگی نسبت به اصیل راه‌گشا هستند.

بر پایه منابع فقهی، یکی از پیامدهای قراردادها به‌صورت عام و قرارداد نمایندگی به‌صورت ویژه، حاکمیت اصل لزوم و التزام بر آن‌ها است. آنگاه که چنین شد، اصیل باید نسبت به قرارداد نمایندگی متعهد باشد، به این معنا که او ملزم به انجام تعهداتی برخاسته از قرارداد مزبور است. از این رو اگر قرارداد نمایندگی معوض باشد، اصیل موظف خواهد بود که هزینه‌های نمایندگی را در موعد مقرر پرداخت کند (محقق داماد و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۸۴/۲). این بدان دلیل است که بر پایه منابع فقهی، هر یک از طرفین به پیامدهای قرارداد ملتزم است (مروارید، ۱۴۱۰: ۱۳۱/۹). اصل التزام بدان معنا است که طرفین، تعهداتی را که بر آن توافق کرده‌اند، ایفا نمایند و اگر چنین نکنند، مسؤول پیامدهای آن خواهند بود. اگر اعطای نمایندگی در قالب وکالت باشد، اصیل می‌تواند او را عزل کند، ولی طبق اصل، عزل باید به آگاهی وکیل برسد، ولی اگر بدون اطلاع او، اقدام به عزل نماید، براساس برخی از دیدگاه‌های فقهی، عزل بی‌اثر خواهد بود (طوسی، ۱۴۱۶: ۳۴۲/۳) که این به‌معنای لزوم پایبندی اصیل به تعهداتی است که وکیل در زمانی بی‌خبری از عزل خود، متقبل می‌شود.

(McKendrick, 2012: 962). این بدان دلیل است که نمایندگی قراردادی از سوی اصیل انجام می‌شود، منافع و سودمندی‌های قراردادهای که نماینده قراردادی انجام می‌دهد، متعلق به اصیل خواهد بود. بنابراین باید گفت، اگر نماینده قراردادی، ولو این که افشا نشده باشد، معامله مبنی بر خریداری محصولی انجام دهد و پس از خریداری، ناگهان قیمت آن افزایش یابد، به گونه‌ای که سود فراوانی به بار می‌آورد، در این هنگامه، سود و منافع آن، متعلق به اصیل بوده، نماینده یا شخص دیگری نمی‌تواند نسبت به آن ادعایی داشته باشد، گرچه این مسأله به صورت صریح در مقررات قانونی بیان نشده است، ولی این ادعا را می‌توان از مفهوم نمایندگی که در آن، شخصی به جای دیگری اقدام به عمل حقوقی می‌نماید، استنباط کرد. افزون بر آن در مقررات فقهی (ابن حمزه طوسی، ۱۴۰۸: ۲۸۳؛ ابوالصلاح حلبی، ۱۴۰۳: ۳۳۷) و حقوقی (ماده ۷۹۳ ق.ت؛ ماده ۱۵۶۳ ق.م) بارها تأکید شده است که نماینده باید براساس دستورات و موارد توافق اقدام کند و اگر چنین نکند، خود مسؤول پیامدهای اعمالش خواهد بود (ابن حمزه طوسی، ۱۴۰۸: ۲۸۳) که مفهوم آن، بیانگر این است که اگر نماینده در چهارچوب نمایندگی اقدام کند، همه پیامدهای قرارداد متوجه اصیل خواهد بود. از سوی دیگر، طرفین اصیل که عبارت از نماینده و شخص ثالث است، ملزم به انجام تعهدات و تکالیفی هستند؛ به این معنا که در صورتی می‌توان از تأثیر اعمال نماینده قراردادی بر تعهدات اصیل سخن گفت که نماینده در انجام مورد نمایندگی به یکسری اصول و ضوابط پایبند باشد. اگر چنین نباشد، بسته به مورد می‌توان از عدم مسؤولیت اصیل و مسؤولیت نماینده در برابر اصیل و شخص ثالث سخن گفت.

۲-۳- نسبت به نماینده

یکی از پیامدهای نمایندگی نسبت به نماینده آن است که او باید در چهارچوب قرارداد نمایندگی حرکت نماید و مجاز به تعدی از حدود اختیارات نیست. این پیامدها گرچه ناظر به نماینده است، ولی از آن جهت که عدم رعایت آن‌ها، حقوقی را برای اصیل و دیگران پدید می‌آورد، با اصیل نیز ارتباط پیدا می‌نماید. این تکلیف از سوی فقه، حقوق و برخی از اسناد بین‌المللی مورد تأکید قرار گرفته است. بر این اساس فقهای اسلامی، نماینده را ملزم به رفتار در حدود قرارداد نمایندگی می‌کنند و تعدی از آن حدود را منوط به اجازه و تنفیذ اصیل می‌نمایند، به این معنا که در این‌گونه موارد، اگر اصیل اجازه داده، عمل نماینده قراردادی را

قانون‌گذار ایران نیز تکالیفی را نسبت به موکل پیش‌بینی کرده است. بر پایه مقررات قانونی، اصیل مکلف است که هزینه‌های مرتبط با نمایندگی را بپردازد. در این زمینه ماده ۶۷۵ بیان می‌دارد: «موکل باید تمام مخارجی را که وکیل برای انجام وکالت خود نموده است و همچنین اجرت وکیل را بدهد، مگر این که در عقد وکالت طور دیگر مقرر شده باشد.» برای نمونه گاهی ممکن است، انجام مورد وکالت نیازمند تهیه برخی ابزار و وسایل باشد که در این‌گونه موارد، اصیل باید هزینه‌های لازم را پرداخت کند، البته باید گفت که چگونگی و مقدار هزینه‌های پرداختی وابسته به توافق طرفین است؛ به فرضی که آن‌ها نسبت به پرداخت هزینه‌ها از سوی اصیل توافق کرده باشد، او مکلف است که در زمان معین پرداخت کند. از سوی دیگر، اصیل موظف است به اصول حاکم بر نمایندگی قراردادی پایبند باشد. بنابراین مکلف است که در رفتار خود، اصل رفتار منصفانه، حسن نیت و ... را توجه داشته باشد و اگر از رهگذر بی‌توجهی به دیگری زیانی وارد کرد، می‌توان گفت که طرف مقابل می‌تواند پاسخگویی او را مطالبه نماید. اصل لزوم رعایت حسن نیت از سوی اسناد بین‌المللی به‌عنوان وظیفه طرفین روابط قراردادی مورد تأکید است (Section 1-304 UCC) و باتوجه به این که روابط طرفین نمایندگی قراردادی از این سنخ است، باید گفت که همه آن‌ها ملزم به رعایت اصل مزبور هستند. بر اصیل است که بستر را برای انجام مورد نمایندگی فراهم سازد، به این معنا که اگر انجام مورد نمایندگی قراردادی نیازمند اقداماتی از سوی اصیل باشد، او ملزم خواهد بود. برای نمونه ممکن است، گاهی برای انجام نمایندگی، رایزنی‌های پیشین از سوی اصیل ضروری باشد که اصل حسن نیت که یکی از تکالیف طرفین قرارداد به‌شمار می‌رود (Eisenberg, 2018: 707) و رفتار منصفانه مقتضی آن است که اصیل اقدامات مزبور را انجام دهد تا بستر مناسب برای ارائه خدمت فراهم گردد، ولو این که تکلیف به فراهم‌سازی بستر خدمت در قرارداد نمایندگی ذکر نشده باشد، اصیل چنین تکلیفی خواهد داشت، زیرا این وظیفه یکی از شرایط ارتكازی قرارداد نمایندگی است (میرمعزی، ۱۳۹۲: ۲۵۵).

افزون بر آن دسته از پیامدهای نمایندگی قراردادی که نسبت به اصیل، تکلیف آفرین و مسؤولیت آورد است، نمایندگی قراردادی، حقوقی را نیز برای اصیل به‌دنبال دارد. در واقع نظریه نمایندگی قراردادی به‌عنوان استتنا بر اصل نسبی بودن قراردادها به‌شمار می‌رود. بر این اساس، پیامدهای آن دامن‌گیر اصیل می‌شود

یک مکانیسم ویژه انجام شود، اصل لزوم پایبندی به قرارداد نمایندگی بیانگر آن است که نماینده موظف به رعایت مکانیسم مزبور است و نمی‌تواند روش دیگری را جایگزین آن کند که این چنین نماید، تنها در صورتی که اصل، عمل او را تنفیذ کند، می‌توان از تأثیرگذاری اعمال نماینده بر تعهدات اصل سخن گفت. افزون بر اصل لزوم، سایر اصول حاکم بر روابط نمایندگی قراردادی نیز چنین است، یعنی طرفین ملزم به توجه به آن‌ها هستند و اگر چنین نمایند، مسؤول خواهند بود.

۳-۳- نسبت به شخص ثالث

اصیل افزون بر آن که در برابر وکیل مسؤولیت و تکالیفی دارد، نسبت به طرف شخص ثالث نیز مکلف و مسؤول است (کاتوزیان، ۱۳۹۶: ۱۲۶)، زیرا در نمایندگی قراردادی، پیامدهای حق متوجه اصیل است و وکیل تنها اعمال حقوقی را براساس دستورات و اوامر اصیل انجام می‌دهد. از این رو این اصیل است که باید تعهدات ناشی از قرارداد را ایفا نماید. آنگاه که چنین شد، شخص ثالث می‌تواند ایفای تعهدات را از او مطالبه نماید و در صورتی که اصیل در انجام تکالیف برخاسته از عقد، کوتاهی نماید و از رهگذر او به شخص ثالث زیانی وارد شود، شخص ثالث می‌تواند اقدام به مطالبه خسارت نماید، زیرا براساس مبانی فقهی، ایراد زیان و خسارت به دیگری ناروا است و زیان‌رسان باید پاسخگوی اعمال زیان‌آور خود باشد که این ادعا با تمسک به اصول، مانند اصل لاضرر، اتلاف و تسبیب که از ضوابط فقهی و حقوقی حاکم بر مسؤولیت مدنی و قراردادی است، قابل اثبات است.

از طرف دیگر، شخص ثالث نیز آنگاه که از نمایندگی آگاهی دارد، مکلف است نسبت به تعهدات برخاسته از قرارداد متعهد باشد؛ در این هنگام، همان‌گونه که شخص ثالث می‌تواند اجرای تعهدات را از اصیل مطالبه نماید، اصیل نیز چنین قدرتی را خواهد داشت. بر این اساس اگر شخص ثالث به هر دلیلی نسبت به اجرای تعهدات، تقصیر یا قصور ورزد، مسؤول خواهد بود، البته باید توجه داشت که در نمایندگی افشا نشده، میان اصیل و شخص ثالث رابطه متصور نیست، بلکه این نماینده قراردادی است که با شخص ثالث طرف می‌باشد. این مسأله که در نمایندگی افشا نشده، نماینده طرف معامله شخص ثالث به‌شمار می‌رود، از سوی نظام حقوقی و برخی از اسناد بین‌المللی پذیرفته شده است (ماده ۳۵۷ ق.ت؛ ماده ۳:۲۰۳ اصول حقوق قراردادهای اروپایی) افزون بر آن در مواردی که نماینده تعهدات خارج از حدود قرارداد نمایندگی متعهد می‌شود، اصیل مسؤولیت نخواهد داشت

تنفیذ کرد، تعهدات برخاسته از نمایندگی متوجه او خواهند شد، ولی اگر اجازه نداد، نماینده قراردادی مسؤول ایفای تعهدات خواهد بود که این به معنای عدم تأثیر اعمال نماینده قراردادی بر تعهدات اصیل است. از این رو اگر کسی به دیگر نمایندگی در بخشی از امور مرتبط به نکاح داده باشد، ولی اجازه تصمیم‌سازی نهایی را ن داده باشد، با وجود این، نماینده توافق نهایی نماید، عمل او نسبت به اصیل تأثیرگذار نخواهد بود (طوسی، ۱۳۸۷: ۳۶۸/۲؛ علامه حلی، ۱۴۲۰: ۴۱/۳) که این به معنای لزوم پایبندی به حدود نمایندگی است.

قانون‌گذار نیز این تکلیف را مورد تأکید قرار داده، چنین مقرر داشته است: «وکیل نمی‌تواند عملی را که از حدود وکالت خارج است، انجام دهد» (ماده ۶۶۳ ق.م)؛ در این ماده قانونی به صراحت وکیل، مکلف به حرکت در چهارچوب توافق نمایندگی شده است که این به معنای عدم تأثیرگذاری اعمال او در موارد تجاوز از حدود نمایندگی است. برابر برخی از مقررات دیگر، وکیل باید در فرایند انجام مورد وکالت، مصلحت اصیل را مورد توجه قرار دهد (ماده ۶۶۷ ق.م). بنابراین در عقد ازدواج، نماینده قراردادی موظف است، اعمال هم‌ساز با مصلحت اصیل انجام دهد و اگر چنین ننماید، مسؤول پیامدهای آن خواهد بود، گرچه در ماده مزبور، ضمانت اجرایی برای عدم توجه به مصلحت، پیش‌بینی نشده است، ولی با تمسک به مبانی فقهی و حقوقی که در مباحث پیشین بیان شد، می‌توان گفت که در این صورت، اعمال او نسبت به تعهدات اصیل تأثیر ندارد و تنها در صورت تنفیذ از سوی اصیل، چنین ویژگی را دارا خواهد شد.

اصول حقوق قراردادهای اروپایی نیز اصل لزوم پایبندی به چهارچوب قرارداد نمایندگی را لازم انگاشته، تجاوز از آن محدوده را باعث سلب مسؤولیت از اصیل انگاشته است. از دیدگاه این اصول، در صورتی که نماینده از حدود نمایندگی تجاوز کند، اعمال او نسبت به اصیل تأثیر نخواهد داشت، مگر این که اصیل پس از آگاهی، عمل حقوقی او را تنفیذ نماید که در این صورت، امکان تأثیرگذاری به‌وجود خواهد آمد (ماده ۳:۲۰۴ اصول حقوق قراردادهای اروپایی). بنابراین اصل لزوم پایبندی به چهارچوب قرارداد نمایندگی از سوی نظام حقوقی ایران، فقه اسلامی و اسناد بین‌المللی پذیرفته شده است. این بدان معنا است که نماینده قراردادی هم از نظر گستره و هم از نظر چگونگی باید به آن چه در توافق‌نامه نمایندگی بیان شده است، پایبند باشد، به این معنا که گاهی ممکن است در قرارداد تصریح شده باشد که قرارداد با

(طبرسی، ۱۴۱۰: ۵۹۴/۱). در این‌گونه موارد، نماینده طرف شخص ثالث خواهد بود، مگر این‌که اصیل، اعمال نماینده قراردادی را تنفیذ نماید. باید توجه داشت که گاهی ممکن است، در قرارداد نمایندگی، تعهد به نفع شخص ثالث نیز پیش‌بینی شده باشد. قانون‌گذار ایران همانند بسیاری از قانون‌گذاران کشورهای دیگر، ضمن تجویز تعهد به نفع شخص ثالث، در یکی از مواد قانونی بیان مقرر می‌دارد: «کسی که معامله می‌کند، آن معامله برای خود آن شخص محسوب است، مگر این‌که در موقع عقد خلاف آن را تصریح نماید یا بعد خلاف آن ثابت شود، معذک ممکن است در ضمن معامله که شخص برای خود می‌کند، تعهدی هم به نفع شخص ثالثی بنماید» (ماده ۱۹۶ ق.م). همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، در این ماده، تعهد به نفع شخص ثالث به صورت صریح پذیرفته شده است. این ماده دارای ادبیات مطلق است که اثبات‌کننده عدم محدودیت مفاد به قرارداد ویژه است، به این معنا که اطلاق ماده بیانگر آن است که در هر قراردادی چنین امکان وجود دارد که عقد نکاح یکی از آن‌ها است. با توجه به این‌که این‌گونه تعهدات از نظر نظام حقوقی دارای اعتبار است، شخصی که به نفع او تعهدی انجام شده است، می‌تواند آن را از متعهد مطالبه نماید که این مسأله نیز یکی از پیامدهای نمایندگی قراردادی خواهد بود.

نتیجه‌گیری

پژوهش فقهی و حقوقی بیانگر آن است که تأثیر اعمال نماینده قراردادی در عقد نکاح از سوی فقه و حقوق مورد پذیرش است. این مسأله را می‌توان با تمسک به ضوابط فقهی، مانند قاعده مصلحت و نفی عسر و حرج اثبات نمود، زیرا براساس قاعده نخست، نظام فقه باید به‌گونه‌ای باشد که در پرتو آن، مصالح اشخاص تأمین گردد. در گستره عقد نکاح اگر به طرفین، اختیار انتخاب نماینده اعطا نشود، در برخی موارد به دلایلی نمی‌تواند آن‌گونه که بایسته و شایسته است، اقدام نمایند. برای نمونه در بسیاری موارد، اشخاص عادی از ضوابط فقهی و حقوقی آشنایی کافی ندارند، در این موارد اگر به صورت سخت‌گیرانه مباشرت آن‌ها در عقد نکاح شرط شود، مصالحشان با خاطر مواجه خواهد شد، بدین دلیل قاعده مزبور مستلزم تجویز تأثیر اعمال نماینده قراردادی بر تعهدات اصیل است. قاعده نفی دشواری نیز می‌تواند موضوع مورد بحث را توجیه نماید؛ به این ترتیب که اصرار به مباشرت در برخی موارد، باعث عسر و حرج طرفین یا یکی از اطراف عقد نکاح می‌گردد. برای نمونه ممکن است، یکی از طرفین به دلایلی نتواند آن‌گونه که باید، پیامدهای عقد را تحلیل و تجزیه نماید که اگر چنین باشد و از سوی دیگر، مباشرت آن‌ها

شرط باشد، تحمل دشواری طاقت‌فرسا بر او تحمیل می‌گردد که با قاعده مزبور ناسازگار است. افزون بر مبانی فقهی از نظر حقوقی نیز اصل نمایندگی و به‌دنبال آن، تأثیرگذاری اعمال نماینده قراردادی در مقررات عام و مقررات ناظر به عقد نکاح پذیرفته شده است که بیانگر مشروعیت آن است. پذیرش تأثیرگذاری اعمال نماینده قراردادی در عقد نکاح دارای پیامدهای سه‌گانه است. از یک‌سو، تکالیف و حقوقی را برای اصیل پدید می‌آورد که می‌توان به لزوم ایفای تعهدات برخاسته از اعمال نماینده، پرداخت هزینه‌های نماینده قرارداد و ... اشاره نمود؛ از سوی دیگر، نسبت به نماینده نیز پیامدهایی را به‌دنبال دارد که می‌توان از لزوم رفتار مبتنی بر حسن نیت، شفافیت و پایبندی به چهارچوب‌های نمایندگی اشاره نمود؛ از سوی سوم، نسبت به اشخاص ثالث نیز می‌تواند پیامدهایی را به‌دنبال داشته باشد، به این ترتیب که گاهی ممکن است، نماینده قراردادی در چهارچوب قرارداد نمایندگی در عقد نکاح، تعهداتی را نسبت به اشخاص ثالث پذیرفته باشد که در این‌گونه موارد، آن‌ها می‌توانند ایفای آن‌ها را از اصیل مطالبه نمایند. به‌رغم وجود مقررات نسبی در مورد نماینده قراردادی به صورت عام و در عقد نکاح به صورت ویژه، به نظر می‌رسد، قانون‌گذار به‌گونه بایسته و شایسته، این بحث را تنقیح نکرده است. از این‌رو پیشنهاد می‌شود این مقررات بازبینی شده، مباحث نوپدید نیز مورد توجه قرار گیرند.

ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، صداقت و و امانتداری رعایت شده است.

تعارض منافع: در این مقاله هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

سهم نویسندگان: نگارش مقاله مشترکاً توسط نویسندگان صورت گرفته است.

تشکر و قدردانی: از کلیه کسانی که در معرفی منابع و تهیه این مقاله ما را یاری رساندند، تشکر و قدردانی می‌نماییم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش فاقد تأمین‌کننده مالی بوده است.

منابع

الف. منابع فارسی و عربی

- قرآن کریم.

- ابن عابدین، محمد امین بن عمر بن عبد العزیز عابدین - الدمشقی الحنفی (۱۴۱۲). *رد المحتار علی الدر المختار*. بیروت: دار الفکر.
- آشتیانی، میرزاحمدحسن بن جعفر (۱۴۲۵). *الرسائل التسع*. قم: انتشارات زهیر - کنگره علامه آشتیانی.
- الجصاص الحنفی، أحمد بن علی ابوبکر الرازی (۱۴۳۱). *شرح مختصر الطحاوی*. محقق د. عصمت الله عنایت الله محمد - أ. د. سائد بکدش - د محمد عبید الله خان - د زینب محمد حسن فلاته، بی جا: دار البشائر الإسلامیه - ودار السراج.
- الزبیدی الیمنی الحنفی، ابوبکر بن علی بن محمد الحدادی العبادی (۱۳۲۲). *الجواهر النیره*. بی جا: المطبعه الخیریه.
- السنهوری، عبدالرزاق (۱۹۹۸). *نظریه العقد*. بیروت: منشورات الحلبي الحقوقیه.
- ایزدهی، سیدسجاد (۱۳۹۳). *مصلحت در فقه سیاسی شیعه*. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹). *وسائل الشیعه*. قم: مؤسسه آل البيت (ع).
- حسینی مراغی، سیدمیرعبدالفتاح بن علی (۱۴۱۷). *العناوین الفقهیة*. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- حلبی، ابن زهره، حمزه بن علی حسینی (۱۴۱۷). *غنیة النزوع إلى علمی الأصول و الفروع*. قم: مؤسسه امام صادق (ع).
- حلبی، ابوالصلاح، تقی الدین بن نجم الدین (۱۴۰۳). *الکافی فی الفقه*. اصفهان: کتابخانه عمومی امام امیرالمؤمنین (ع).
- حلّی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (۱۴۲۰). *تحریر الأحکام الشرعیة علی مذهب الإمامیه*. قم: مؤسسه امام صادق (ع).
- دهقان چاچکامی، حمید (۱۳۹۰). *جایگاه مصلحت در قانون گذاری کیفری ایران*. قم: بوستان کتاب.
- صافی گلپایگانی، لطف الله (۱۴۱۶). *هدایه العباد*. قم: دار القرآن الکریم.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۹۷). *تفسیر المیزان*. بیروت: دارالکتب الإسلامیه.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۳). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: ناصر خسرو.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۰). *المؤتلف من المختلف بین الأئمة السلف*. مشهد: مجمع البحوث الإسلامیه.
- طرابلسی، ابن براج، قاضی، عبد العزیز (۱۴۰۶). *المهذب*. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طوسی، ابوجعفر، محمد بن حسن (۱۳۸۷). *المبسوط فی فقه الإمامیه*. تهران: المکتبه المرتضویه لإحياء الآثار الجعفریه.
- طوسی، ابوجعفر، محمد بن حسن (۱۴۰۷). *الخلاف*. مصحح خراسانی، علی، حسینی، سیدجواد، طه نجف، مهدی، عراقی، مجتبی، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین قم.
- طوسی، محمد بن علی بن حمزه (۱۴۰۸). *الوسیله إلى نیل الفضیله*. قم: انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی (ره).
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۶). *اعمال حقوقی: قرارداد-ایقاع*. چاپ هفدهم، تهران: انتشارات گنج دانش.
- کشوری، عیسی (۱۳۹۰). *قاعده عسر و حرج، مطالعه تطبیقی کاربرد قواعد فقه در حقوق*. تهران: انتشارات جاودانه.
- گیلانی فومنی، محمدتقی بهجت (۱۴۲۸). *استفتاءات*. قم: دفتر حضرت آیه الله بهجت.
- محقق داماد، سیدمصطفی (۱۳۸۷). *بررسی فقهی حقوق خانواده - نکاح و انحلال آن*. تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
- محقق داماد، سیدمصطفی، قنواتی، جلیل، وحدتی شبیری، سید حسن، عبدی پور فرد، ابراهیم (۱۳۸۹). *حقوق قراردادها در فقه امامیه*. تهران: انتشارات سمت.

- مروارید، علی اصغر (۱۴۱۰). *موسوعه سلسله البناييع الفقهييه*. بيروت: مؤسسه الفقه الشيعه، الدار الاسلاميه.
- مكارم شيرازي، ناصر (۱۴۲۷). *دائره المعارف فقه مقارن*. قم: انتشارات مدرسه امام علي بن ابي طالب (ع).
- موسوي بجنوردي، سيدمحمد (۱۴۰۱). *قواعد فقهيه*. تهران: مؤسسه عروج.
- ميرمحمدی، ابوالفضل (۱۳۶۷). *حقوق خانواده*. تهران: نشر علوم اسلامي.
- ميرمعزي، احمد (۱۳۹۲). *نيابت در روابط تجاري و مدني*. تهران: دادگستر.
- نراقي، مولي احمد بن محمدمهدی (۱۴۱۷). *عوائد الأيام في بيان قواعد الأحكام*. قم: انتشارات دفتر تبليغات اسلامي حوزه علميه قم.

ب. منابع انگلیسی

- Ewan McKendrick (2012). *Contract Law; Text, Cases and Materials, Great Clarendon Street*. Oxford: Oxford University Press.
- Melvin A. Eisenberg (2018). *Foundational Principles of Contract Law*. Oxford: Oxford University Press.

ج. مقررات و اسناد بین‌المللی

- اصول حقوق قراردادهای اروپایی.
- قانون تجارت.
- قانون متحد الشكل تجاری آمریکا (ucc).
- قانون مدنی.